



FARTAK IMEN VISION Co.

موضوع مقاله

انواع کنترل ولو و کاربرد آن



۸۸۸۰۰۷۰۵ - ۸۸۸۰۰۷۱۹

۸۹۷۸۴۲۳۱

www.fartakimen.com

Info@fartakimen.com , fartakimenvision@gmail.com

خیابان استاد شهید مطهری (تخت طاووس)، بین لارستان و میرزای شیرازی، کوچه مرجان، پلاک ۸، واحد ۱



کنترل ولو چیست؟

کنترل ولو یا شیر کنترل دستگاهی مکانیکی است که در صنایع فرآیندی برای تنظیم جریان سیال و به طبع آن ، فشار، دما یا سطح مورد استفاده قرار می‌گیرد. یک کنترل ولو عموماً از سه بخش تشکیل شده است:

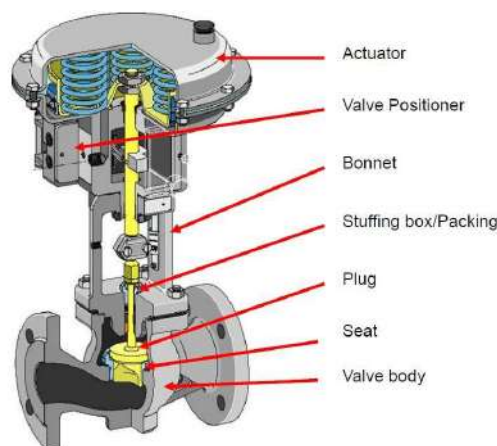
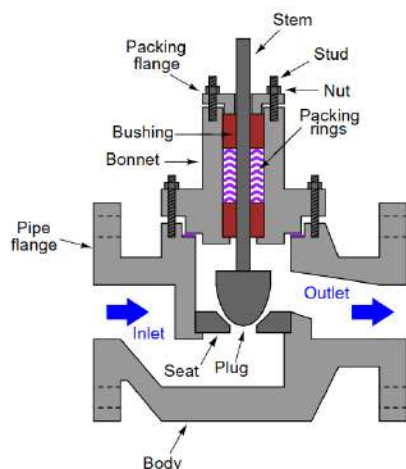
بدنه (Body): بدنه یک ولو محل عبور سیال را فراهم کرده و شامل کلیه قطعات ثابت و متحرکی است که جریان آن سیال را کنترل می‌کنند.

اکچویتور (Actuator): این بخش با استفاده از یک منبع انرژی خارجی (مانند هوا، انرژی الکتریکی و یا نیروی هیدرولیک) اجزا متحرک بدنه شیر را در یک موقعیت مطلوب قرار می‌دهد.

پوزیشنر (Positioner): این تجهیز بر اساس فیدبکی که از یک سیستم کنترل دریافت می‌کند موقعیت دقیق ولو را تنظیم می‌نماید.

شیرهای کنترلی در صنایع مختلف از جمله نفت و گاز، فولاد، صنایع شیمیایی و دارویی و نیروگاه‌ها پرکاربرد بوده و نقش نکه داشتن پارامترهای فرآیندی در محدوده مطلوب را به عهده دارند.

در ادامه این مطلب برخی از اصطلاحات کلیدی حوزه کنترل ولو و همچنین انواع آن را معرفی کرده و موضوعاتی از قبیل ساینینگ کنترل ولو و نحوه انتخاب آن و همچنین مشکلات کنترل ولو را شرح خواهیم داد؛ پس لطفاً تا انتهای مطلب با ما همراه باشید.





اجزای بدنه کنترل ولو

تریم ولو (Valve Trim): این اصطلاح به اجزاء موجود در بدنه ولو که عمل کنترل یا باز و بسته کردن ولو را انجام داده و در تماس مستقیم با سیال هستند اطلاق می گردد. مانند پلاگ (Plug) و ساقه (Stem) و نشیمنگاه ولو (Seat).

- پلاگ (Plug): پلاگ یک قطعه متحرک است که با تنظیم موقعیت آن می توان میزان باز و بسته بودن کنترل ولو را کنترل کرد.
- نشیمنگاه (Seat): بخش غیر متحرک تریم ولو است. با تنظیم موقعیت پلاگ نسبت به seat ، ولو قادر است نرخ جریان عبوری را کنترل نماید.
- استم (Stem): قطعه ای است که اتصال مکانیکی اکچویاتور و پلاگ را فراهم می کند.

کنترل (Throttling): این نوع مکانیزم شامل تنظیم دقیق موقعیت شیر برای کنترل نرخ جریان سیال است. در این روش ولو به صورت تدریجی و پیوسته باز یا بسته می گردد تا نرخ جریان مورد نظر به دست آید. این نوع کنترل در لوپ های کنترلی دما و فشار و سطح در صنایع استفاده می گردد.

کنترل (On-off): بر خلاف کنترل Throttling، در این روش ولو فقط در یکی از دو حالت جریان حداکثری (کاملاً باز) یا قطع جریان (کاملاً بسته) مورد استفاده قرار می گیرد.

کلاس نشستی ولو (Leakage Class): کلاس های مختلف نشستی بر اساس "میزان سیال عبوری از ولو در حالتی که Plug کاملاً بر روی seat قرار بگیرد" تعریف می گردد. کلاس نشستی بالا به معنی آب بندی خوب ولو در حالت بسته بودن آن می باشد که اصطلاحاً به این وضعیت TSO یا Tight shut off گفته می شود.





تقسیم بندی انواع کنترل ولو از لحاظ بدنه (Body):

۱) ولوهای ساقه کشویی (Sliding stem valves): این ولوها با استفاده از حرکت خطی ساقه برای باز و بسته کردن شیر عمل می کنند. به این ترتیب که با اعمال نیرو از سمت اکچویاتور، ساقه ولو با حرکتی عمود بر جهت سیال میزان دبی را کنترل می نماید.

ولوهای ساقه کشویی در انواع زیر ساخته می شوند:

- ولو کروی (Globe valve): این ولوها به دلیل قابلیت کنترل دقیق جریان سیال شناخته شده اند و به جرات می توان گفت که در حوزه کنترل Throttling محبوب ترین و متداول ترین نوع ولوهای کنترلی می باشند. از معایب این ولوها می توان به محدودیت سایز و قیمت بالای آنها اشاره کرد.

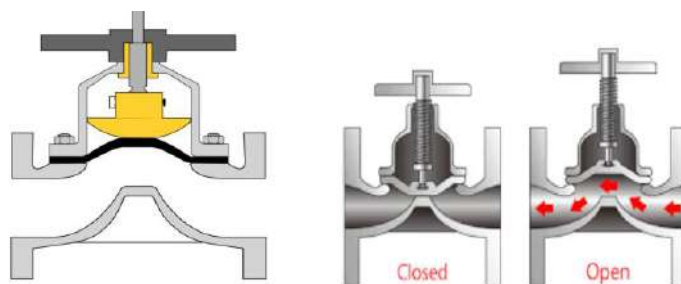


- ولو دروازه ای (Gate valve): در این شیرها پلاگ به صورت یک تیغه یا صفحه بوده که با حرکت کشویی آن و محدود نمودن مسیر سیال، کنترل فلو صورت می پذیرد. البته این شیرها عموماً در کاربردهایی استفاده می شوند که نیاز به کنترل قطع و وصل سیال یا On-off داشته باشیم.





- ولو دیافراگمی (Diaphragm valve): در این شیرها کنترل جریان سیال از طریق یک غشا یا دیافراگم قابل انعطاف صورت می‌گیرد به این صورت که stem با اعمال نیرو دیافراگم را به سمت seat فشار می‌دهد و جریان را مسدود می‌کند و بالعکس. این ولوها در صنایع غذایی و دارویی کاربرد گسترده ای دارند.



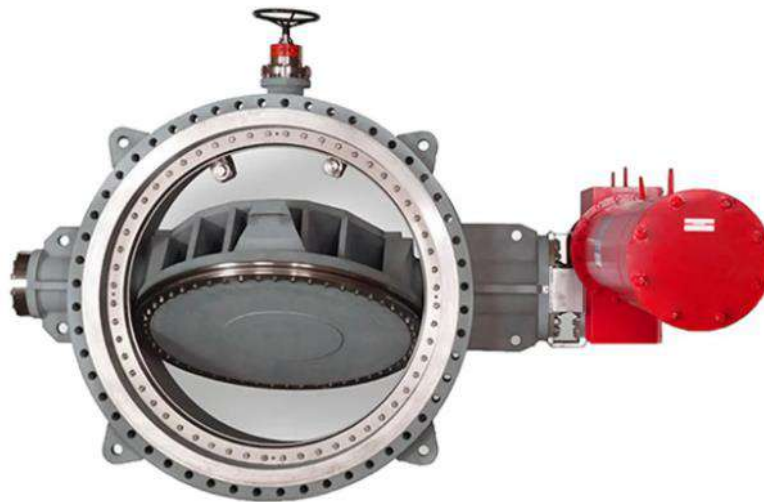
- ۲) ولوهای ساقه چرخشی (Rotary-stem valves): این شیرها به جای حرکت خطی stem از چرخش یک شفت جهت تنظیم موقعیت ولو بهره می‌گیرند و به انواع زیر دسته بندی می‌شوند:

- ولو توپی (Ball valve): این ولو دارای یک پلاگ کروی با سوراخی در مرکز است که با چرخش آن مسیر عبور سیال باز یا بسته می‌گردد. این ولوها عموماً در کنترل On-off کاربرد دارند. شایان ذکر است که با ایجاد تغییرات در طرح حفره پلاگ کروی، می‌توان در کنترل Throttling نیز از این ولوها استفاده نمود.





- ولو پروانه ای (Butterfly valve): در این نوع ولوها پلاگ به صورت یک دیسک می‌باشد که با تغییر زاویه دوران این دیسک می‌توان مقدار بازشدگی ولو را کنترل نمود. این ولوها محدودیت سایز ندارند و بسیار مقرون به صرفه هستند.



تقسیم بندی انواع کنترل ولو از لحاظ اکچویتور

نوع اکچویتور در ولوهای ساقه کشویی و چرخشی یکسان و به شرح ذیل است:

(۱) اکچویتورهای نیوماتیکی: در این نوع اکچویتورها "فشار هوا" عامل ایجاد نیروی محرک بوده که عموماً از طریق یک مبدل الکتریکی به نیوماتیکی تنظیم و وارد مکانیزم اکچویتور می‌شود.

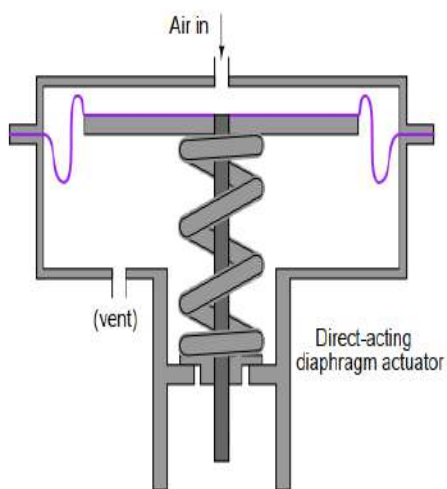
(این مبدل‌ها تحت عنوان ترنسدیوسر I/P شناخته می‌شوند زیرا سیگنال ارسالی الکتریکی به ولو را که به طور معمول ۴ تا ۲۰ میلی آمپر می‌باشد به سیگنال فشار هوای 3-15 psi مورد نیاز ولو تبدیل می‌کنند. این تجهیز معمولاً به صورت یکپارچه با پوزیشنر ارائه می‌گردد)

تیپ‌های مختلف اکچویتورهای نیوماتیکی عبارتند از:



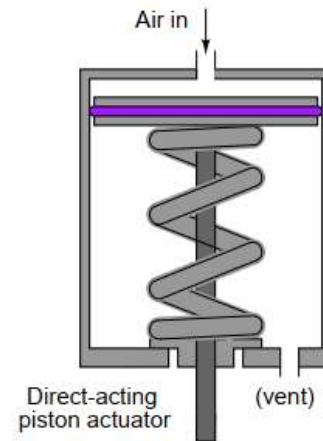
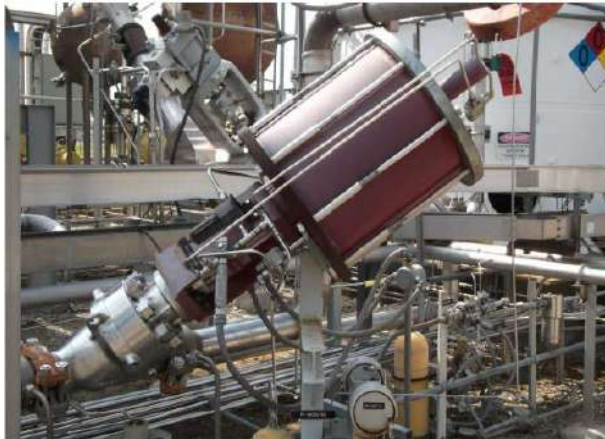


• **اکچویاتور نیوماتیکی دیافراگمی:** در این اکچویاتورها با اعمال فشار هوا به یک دیافراگم انعطاف پذیر که از طریق stem به مکانیزم ولو متصل است میزان باز و بسته شدن ولو کنترل می گردد. این نوع اکچویاتورها در کاربردهایی که کنترل دقیق سیال مهم و حیاتی می باشد بسیار موفق عمل می کنند و در واقع دقیق ترین نوع کنترل Throttling را ارائه می دهند که علت آن وجود اصطکاک کمتر (نسبت به نوع پیستونی) و در نتیجه موقعیت یابی دقیق تر stem می باشد.

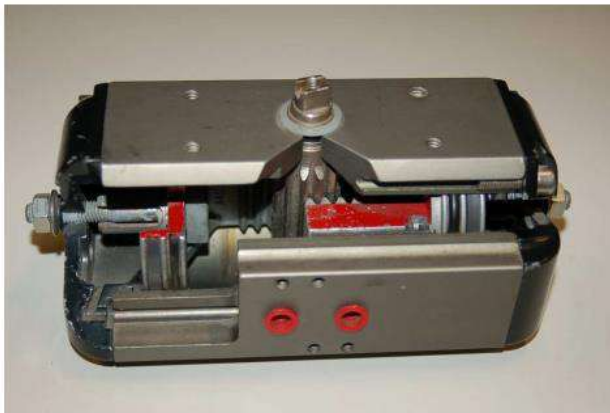


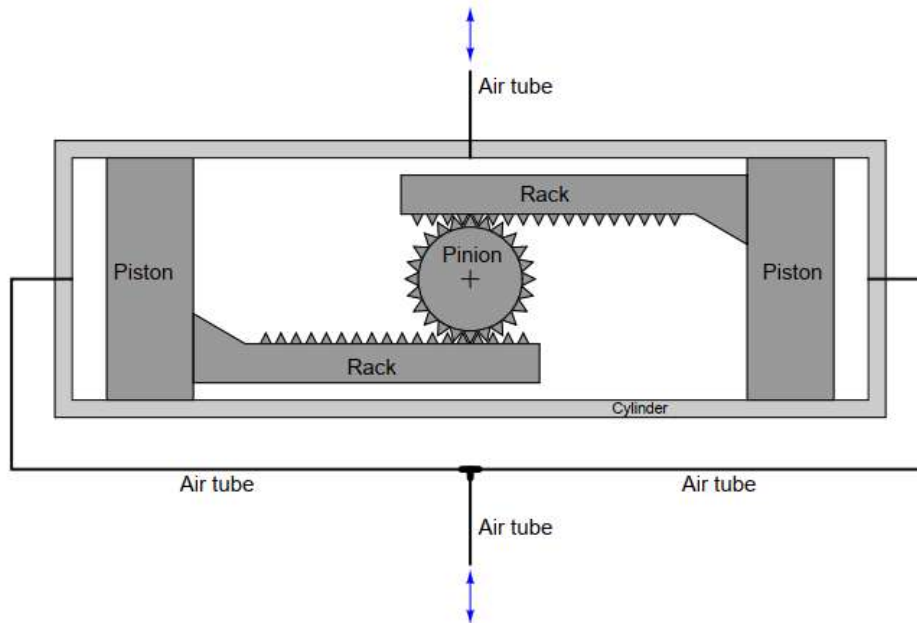
• **اکچویاتور نیوماتیکی پیستونی:** در این نوع اکچویاتور فشار هوا از طریق حرکت دادن یک پیستون موجب فعال شدن مکانیزم کنترلی ولو می گردد. اکچویاتورهای پیستونی نسبت به انواع دیافراگمی نیروی بیشتری تولید می کنند اما همانطور که قبلا گفته شد در کاربردهای Throttling دقت پایین تری نسبت به نوع دیافراگمی دارند.





- اکچویاتور نیوماتیکی دو پیستونی: در این نوع فشار هوا یک جفت پیستون را به سمت مرکز یا خارج بدنه اکچویاتور هل داده و باعث حرکت یک مجموعه رک و پینیون (Rack and Pinion) می‌گردد. در برخی طرح‌ها نیز هنگامی که فشار هوا از پشت پیستون برداشته می‌شود نیروی فنر پیستون را به موقعیت اولیه برمی‌گرداند.





۳) اکچویتورهای هیدرولیکی: این اکچویتورها ساختاری مشابه اکچویتورهای پیستونی دارند با این تفاوت که نیروی محرک ولو از طریق فشار روغن یا در واقع نیروی هیدرولیک تامین می‌گردد. این اکچویتورها تولنایی ایجاد نیروهای بسیار بزرگی دارند و همچنین به دلیل تراکم‌ناپذیر بودن مایعات وضعیت بسیار پایداری را در حفظ موقعیت دقیق ولو ارائه می‌دهند.





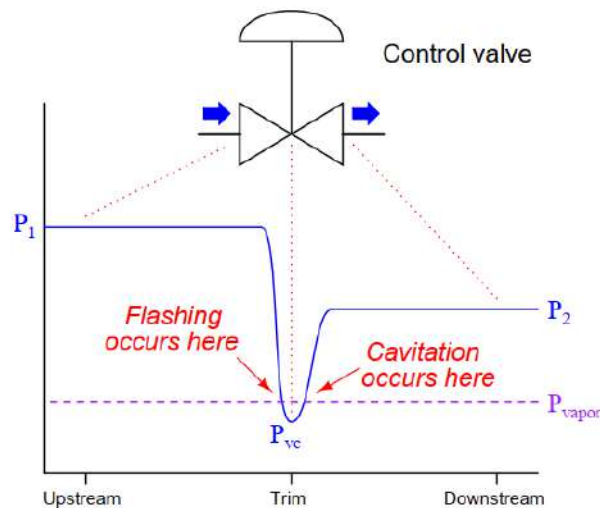
۴) اکچویتورهای الکتریکی: اکچویتور برقی بر خلاف سایر اکچویترهایی که به آنها اشاره شد نیازی به تامین انرژی از یک سیال خارجی ندارند و نیروی محرکه آنها از طریق یک موتور الکتریکی و گیربکس تامین می‌گردد. این اکچویتورها در هم در کنترل Throttling و هم On-off قابلیت استفاده دارند.



برخی از شایعترین مشکلات کنترل ولو:

۱) فلشینگ (Flashing): هنگامی یک سیال وارد گذرگاه تنگ تریم یک کنترل ولو می‌گردد انرژی جنبشی (سرعت) آن افزایش یافته و طبق قانون بقای انرژی، انرژی پتانسیل یا فشار آن نیز به همان نسبت باید کاهش پیدا کند. به همین ترتیب اگر سیال عبوری از کنترل ولو یک مایع باشد و فشار مطلق آن به کمتر از فشار بخار آن برسد مایع به جوش آمده و به سرعت تبدیل به بخار شده و در نتیجه فلوی عبوری از ولو خفه می‌شود. از طرفی جوش آمدن مایع سبب حرکت بسیار سریع ذرات ریزمایع و اصابت آنها به تریم ولو می‌گردد که این امر در طول زمان آسیب به قطعات را به دنبال خواهد داشت.

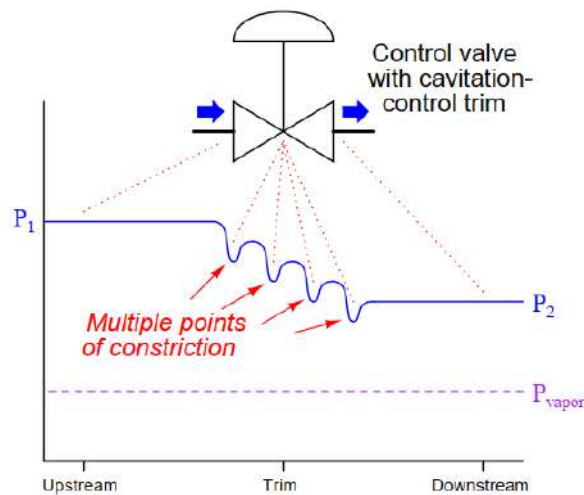
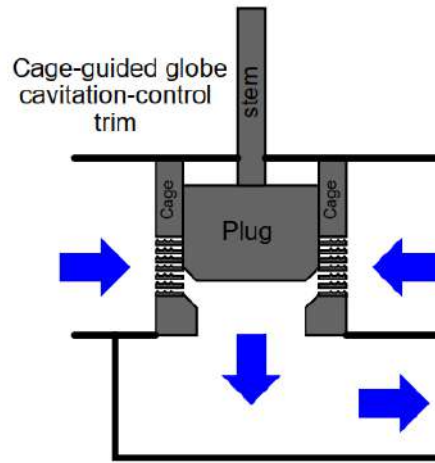




۲) کاویتاسیون (Cavitation): اگر بعد از بروز فلشینگ، فشار در ناحیه پایین دست تریم ولو افزایش یابد و به حدی بالاتر از فشار بخار مایع برسد، بخار مجدداً به شکل مایع در می آید. به این پدیده کاویتاسیون گفته می شود. در این شرایط میکروجت های حاصله از قطرات بسیار ریز مایع با سرعتی بسیار زیاد به اجزاء کنترل ولو برخورد می کنند. این پدیده از فلشینگ هم مخرب تر می باشد.

لازم به ذکر است یکی از روش های بسیار متداول جلوگیری از فلشینگ و Cavitation استفاده از تریم کنترل کاویتاسیون یا Cage می باشد. در این روش با تعبیه یک Cage فشار سیال عبوری در چندین مرحله کاهش و مجدداً افزایش می یابد بدون اینکه فشار آن به زیر حد فشار بخار آن برسد. در شکل زیر طرح یکی از Cage های سری Cavitrol شرکت Fisher نشان داده شده است.





۳) نویز ولو (Valve Noise): نویز در ولو به صدا یا لرزش‌های ناخواسته ای اطلاق می‌شود که در خلال عملکرد ولو ایجاد می‌گردد. کاویتاسیون، افت فشار بیش از حد، آشفته‌گی سیال، سرعت بالای سیال و حتی سیستم لوله کشی می‌توانند از منابع ایجاد نویز باشند. در استانداردهای مختلف میزان نویز مجاز برابر ۸۵ دسی بل در مدت ۸ ساعت کاکرد ولو ذکر شده است. قابل ذکر است که اگر نویزی با شدت ۱۱۰ دسی بل در داخل





یک کنترل ولو ایجاد گردد تمام قطعات تریم ولو (پلاگ، سیت، استم) در عرض یک ساعت نابود خواهند شد. خوشبختانه تکنیک‌های مختلفی جهت کنترل نويز وجود دارد که عبارتند از :

- **Path treatment:** در این تکنیک در پایین دست ولو تمهیداتی از قبیل افزایش عایق خط و افزایش قطر لوله و یا استفاده از Silencer مدنظر قرار می‌گیرد.
- **Source treatment:** در این تکنیک مقابله با نويز در داخل مکانیزم ولو صورت می‌گیرد.

یکی از روشهای مقابله با نويز به شیوه Source Treatment، استفاده از Cage های سری whisper ساخت شرکت فیشر می‌باشد. در این تکنیک انرژی سیال با عبور از منافذ پر تعداد Cage پراکنده شده و با شیفت فرکانس صدای نويز به فرکانس هایی خارج از رنج شنوایی انسان از شدت آن کاسته می‌شود.



۴) فرسایش (Erosion) و آسیب شیمیایی (Chemical Attack): یکی از رایج ترین مشکلات کنترل ولوهای سرویس های دوغابی (مایعات حاوی ذرات ریز و جامد) فرسایش حاصل از برخورد ذرات جامد با تریم کنترل ولو می‌باشد. از طرفی وجود ترکیبات شیمیایی خورنده نیز به مرور به قطعات داخلی ولو آسیب خواهد زد. در هر دو مورد تنها راه حل موجود انتخاب متریال مناسب با ویژگی های سیال می‌باشد که در ادامه مقاله به آن خواهیم پرداخت.





ظرفیت ولو (CV):

به تعداد گالن‌های آبی که در مدت زمان یک دقیقه از یک کنترل ولو عبور کرده و افت فشار ثابتی برابر 1PSI در آن ایجاد نماید ظرفیت یا ضریب فلوی ولو گفته می‌شود. لازم به ذکر است که در اغلب موارد این تعریف با فرض باز بودن کامل ولو بیان می‌گردد.

برای مثال مقدار CV معادل ۵۵ به این معناست که ولو مربوطه با فرض اینکه کاملاً باز است می‌تواند ۵۵ گالن آب را با افت فشار یک PSI از خود عبور دهد.

اهمیت سایزینگ کنترل ولو

بدیهی است که یک کنترل ولو برای برآورده نمودن الزامات فرآیندی باید توانایی عبور دادن حداکثر فلوی مورد انتظار را داشته و به درستی سایز شده باشد. مشخصاً ولوی که برای یک کاربرد مشخص کوچک است در مواقع ضروری توانایی عبور حداکثر فلو را نخواهد داشت. لذا در وهله اول اینگونه به نظر می‌رسد که برای کمتر کردن ریسک انتخاب یک ولو با سایز کوچک، انتخاب ولوی با سایز بزرگ تر شرایط را ایمن تر خواهد کرد اما در عمل این انتخاب مشکلات دیگری را ایجاد خواهد نمود. در واقع نه تنها در این شرایط کنترل فلوهای کم بسیار دشوار خواهد شد بلکه این امکان وجود دارد که ولو در وضعیت کاملاً باز اجازه عبور فلوی بیش از اندازه ای را بدهد.

هدف از سایز کردن ولو در عمل بدست آوردن CV و همچنین میزان نويز می‌باشد به نحوی که کلیه الزامات فرآیندی و ایمنی برآورده گردد. با توجه به تعدد پارامترهای اساسی و فاکتورهای غیر خطی، محاسبه CV مناسب نسبتاً پیچیده بوده و اکیدا توصیه می‌شود از نرم افزارهای سایزینگ ولو ارائه شده توسط سازندگان کنترل ولو استفاده گردد.





نحوه انتخاب متریال ولو:

انتخاب مواد مناسب برای بدنه و تریم ولو به عوامل مختلفی نظیر فشار و دمای کاری، سازگاری با سیال، نیاز به مقاومت در برابر خوردگی یا فرسایش و ویژگی‌های مکانیکی مورد نیاز بستگی دارد. در این خصوص چند نکته کلی و عمومی حائز اهمیت می‌باشد:

- از آنجایی که تمامی قطعات تریم (Stem, Seat, Plug) در معرض تماس با سیال هستند جنس آنها باید حداقل استیل زنگ نزن (S.S 316) انتخاب گردد.
- در شرایط خاص فرآیندی مانند دمای بالای ۲۸۰ درجه سانتیگراد، سرویس‌های خورنده و فرسایشی و بخار اشباع شده و کاربردهایی که مستعد کاویتاسیون هستند استفاده از متریال Stellited یا فلز سخت کاری شده برای تریم ولو توصیه می‌گردد.
- بدنه ولو معمولاً از نوع کربن استیل انتخاب می‌گردد اما در این خصوص حتماً بایستی مدارک متریال پروژه مدنظر قرار گیرد.

لازم به ذکر است که اگر در سایزینگ با نرم افزار با ارورهای نظیر نویز بالا یا کاویتاسیون مواجه شویم باید متریال قطعات داخلی ولو را به متریال‌های مقاوم‌تر از قبیل Superduplex یا Stellited تغییر دهیم.

نحوه انتخاب یک کنترل ولو:

انتخاب صحیح یک کنترل ولو شامل ملاحظاتیست که بر اساس نیازها و پارامترهای فرآیندی تعیین می‌شود. برخی از این فاکتورها به شرح ذیل می‌باشد:

- **میزان فلو یا جریان سیال:** دانستن میزان حداکثر و حداقل جریان جهت اطمینان از اینکه ولو قادر به کنترل محدوده مورد نظر می‌باشد حائز اهمیت است.
- **افت فشار:** شرایط فشار در بالادست و پایین دست سیستم ولو را مورد بررسی قرار دهید. کاهش فشار در ولو را محاسبه کنید تا اطمینان حاصل شود که ولو در محدوده مجاز عمل کرده و به فرآیند آسیبی وارد نمی‌کند.





- **نوع ولو:** براساس نیازمندیهای فرآیندی نوع ولو را انتخاب کنید. عواملی مانند توانایی کنترلی Throttling یا On-off، خصوصیات ذاتی سیال از قبیل خورندگی، ویسکوزیته و تمیز و یا کثیف بودن آن و همچنین میزان مقاومت در برابر فلشینگ و کاویتاسیون در انتخاب نوع ولو تاثیرگذار هستند.
- **ظرفیت ولو:** بر اساس قطر لوله و نرخ جریان موردنظر ولو مناسب را سایز کنید. هدف انتخاب ولوی است که بتواند کنترل جریان را با دقت مناسب انجام دهد و همچنین افت فشار، سرعت سیال و نویز را در محدوده مجاز نگه دارد.
- **سازگاری متریال:** ویژگی‌های سیال فرآیندی مانند دما، خوردگی و ویسکوزیته را بررسی کنید.
- **کلاس نشستی:** کلاس نشستی مناسب برای کاربرد مورد نظر را تعیین کنید.
- **نوع اکچویتور:** متناسب با پارامترهایی از قبیل نوع سیگنال کنترلی، پاسخ زمانی، وجود منبع تغذیه مناسب (هوا، برق، هیدرولیک) و مقدار نیروی مورد نیاز، نوع اکچویتور را مشخص نمایید.
- **سیگنال کنترلی:** نوع سیگنال کنترل استفاده شده در سیستم خود را تعیین کنید. اطمینان حاصل کنید که شیر کنترلی سازگار با سیگنال کنترلی شماست و می‌تواند به طور دقیق به سیگنال ورودی پاسخ دهد. سیگنال ورودی می‌تواند جریان الکتریکی یا نیوماتیکی باشد.
- **ایمنی و قابلیت اطمینان:** هر گونه الزامات ایمنی یا استانداردهای وابسته به صنعت خود را مدنظر قرار دهید.
- **ملاحظات هزینه:** پارامترهایی مانند هزینه خرید اولیه، نصب و نگهداری، دسترسی به قطعات یدکی و مصرف انرژی را مدنظر قرار دهید.

